



پایان نامه کارشناسی ارشد رشته علوم
سیاسی

عنوان:

علل ظهور و افول جنبش اصلاحات

(84 - 1376)

استاد راهنما:

حجة الاسلام سید محمد تقی آل غفور

استاد مشاور:

جناب آقای دکتر محمد ستوده آرانی

نگارنده:

فاطمه عطار

1385

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

1 «خدایا حق را آن گونه که حق است به من بنما و تبعیت از آن را
روزیم کن و باطل را آن گونه که باطل است به من بنما و دوری از
آن را روزیم کن.»

تقدیم:

تقدیم به نخبگان ابزاری و نخبگان فکری نظام جمهوری اسلامی ایران که با
عمل و اندیشه خود میهن خویش را می سازند.

تقدیر و تشکر

از استادان ارجمند جناب حجه الاسلام سید محمد تقی آل غفور و دکتر محمد ستوده
آرانی که در تألیف رساله راهنما و مشاورم بوده اند، تشکر و قدردانی می کنم و از اینکه اوقات
گرانهای خود را در اختیار من گذاشتند، سپاسگزارم.

لازم به ذکر است که نقل مطالب و سخنان اصلاح طلبان بیان‌کننده دیدگاه آنهاست و نقل آنها به معنای پذیرش کامل آن نیست.

چکیده

در پژوهش حاضر به روش توصیفی - تحلیلی سعی شده است علل ظهور و افول جنبش اصلاحات در مقطع تاریخی 84 - 1376 - دوره ریاست جمهوری محمد خاتمی - مورد بررسی قرار می گیرد. در این پژوهش از روش آنتونی کیونز استفاده شده است. این نظریه هم ساختار را مد نظر دارد و هم کارگزار را. طبق این دیدگاه ساختار و کارگزاران از دیدگر جدایی ناپذیر هستند. چون ساختارهای اجتماعی بوسیله کنشگران (انسانها) تأسیس می شوند و نیروهای عامل نیز بوسیله ساختارهای اجتماعی شکل می گیرند. این پژوهش طبق این نظریه فصل بندی شده است.

در فصل دوم علل ظهور جنبش اصلاحات و در فصل سوم علل افول جنبش اصلاحات را از دوحیث ساختاری و عاملی بررسی خواهیم کرد. در این رساله در پی اثبات این فرضیه هستیم که اصلاح طلبان با توانایی های خود و فرصت های ساختاری توانستند در ابتدا پیروز شوند اما در ادامه نتوانستند از این فرصت ها استفاده کنند، در نتیجه محدودیت های ساختاری به همراه ضعف های عاملان جنبش اصلاحات منجر به افول جنبش اصلاحات گردید.

فهرست مطالب

7	مقدمه: طرح تحقیق
8	1. طرح موضوع:
8	2. اهمیت تحقیق:
9	3. فایده تحقیق:
9	4. اهداف تحقیق:
9	5. ادبیات موضوع: (بررسی منابع)
10	6. سؤال اصلی:
10	7. فرضیه:
10	8. مفاهیم و متغیرها:
10	9. مفروضات:
10	10. سؤالات فرعی:
11	11. روش تحقیق:
11	12. سازماندهی پژوهش:
12	فصل اول: چارچوب نظری نظریه ساختار-کارگزار
13	مقدمه:
13	مفاهیم: ساختار - کارگزار - دوگانگی ساختار
14	1- روش فردگرایی (نظریه خرد):

18- روش جمع‌گرایی (نظریه کلان):.....

21- نظریه ساخت‌یابی (تعامل ساختار - کارگزار):.....

25* کاربرد نظریه ساختار - کارگزار در تحلیل ظهور و افول اصلاح‌طلبان:.....

فصل دوّم: علل ظهور جنبش اصلاحات. Error! Bookmark not defined.

بخش اوّل: مقدمه‌ای بر ظهور جنبش اصلاحات Error! Bookmark not defined.

بخش دوّم: فرصت‌های ساختاری..... Error! Bookmark not defined.

1. علل خارجی:..... Error! Bookmark not defined.

2. علل داخلی:..... Error! Bookmark not defined.

1. علل اجتماعی - فرهنگی:..... Error! Bookmark not defined.

2. علل سیاسی:..... Error! Bookmark not defined.

3. علل اقتصادی:..... Error! Bookmark not defined.

نتیجه:..... Error! Bookmark not defined.

بخش سوّم: توانایی‌های کارگزاران..... Error! Bookmark not defined.

کارگزاران (اصلاح طلبان) چه تأثیری در ظهور جنبش اصلاحات داشتند؟

..... Error! Bookmark not defined.

2 بخش چهارم:

الف) ماهیت و مطالبات جنبش اصلاحات. Error! Bookmark not defined.

ب) دستاوردهای جنبش اصلاحات..... Error! Bookmark not defined.

مقدمه:..... Error! Bookmark not defined.

الف) ماهیت جنبش اصلاحات:..... Error! Bookmark not defined.

ب) دستاوردهای جنبش اصلاحات..... Error! Bookmark not defined.

Error! Bookmark not defined. فصل سوّم: علل افول جنبش اصلاحات

Error! Bookmark not defined. بخش اوّل: مقدّمه‌ای بر افول جنبش اصلاحات

Error! Bookmark not defined. بخش دوّم: محدودیت‌های ساختاری.....

Error! Bookmark not defined. علل ساختاری افول جنبش اصلاحات چه بود؟
defined.

Error! Bookmark not defined. 1- تمرکز منابع قدرت:.....

Error! 2- سلطه گفتمان و ایدئولوژی اقتدارطلبانه بر حاکمیت و جامعه:.....

Bookmark not defined.

Error! Bookmark not defined. 3- ضعف دیوان‌سالاری:.....

Error! Bookmark not 4- کاهش قیمت نفت (در اوایل دولت خاتمی):

defined.

Error! Bookmark not defined. 5- موانع قانونی:.....

Error! Bookmark not defined. 6- قوه مقننه (یعنی مجلس پنجم).....

7- نهادها و ارگان‌هایی بودند که تحت سلطه جناح محافظه‌کار، جناحی عمل

Error! Bookmark not defined. می‌کردند.....

Error! Bookmark not defined. 8- ناهماهنگی قوه قضائیه و مجریه:.....

Error! Bookmark not 9- ناهماهنگی نیروی انتظامی و قوه مجریه:

defined.

10- سیاسی شدن نیروهای مسلح و دخالت نظامیان در عرصه سیاست

Error! Bookmark not defined.

Error! Bookmark not defined. 11- عملکرد جناحی صدا و سیما:.....

Error! Bookmark not defined. 12- مطبوعات دولتی و حکومتی.....

Error! Bookmark not 13- گروه‌های فشار یا انصار حزب الله.

defined.

Error! Bookmark not defined. 14- مجلس ششم و شورای نگهبان:

Error! Bookmark not defined. 15- فقدان احزاب سیاسی.....

Error! Bookmark not defined. 16- ناهماهنگی در مسایل اقتصادی:

Error! 17- جنبش اصلاحات عملکرد شورای نگهبان در ردّ صلاحیت افراد.

Bookmark not defined.

Error! بخش سوّم: ضعف‌های کارگزاران (ضعف‌های ساختاری و عاملی).....

Bookmark not defined.

Error! Bookmark not defined. 1- نداشتن برنامه:

Error! Bookmark not defined. 2- فقر تئوریک:

Error! Bookmark not defined. 3- ضعف حزبی:

Error! Bookmark not 4- ضعف جنبش اصلاحات به لحاظ سازمانی:

defined.

Error! Bookmark not defined. 5- ضعف مدیریتی:

Error! Bookmark not 6- اختلاف و شکاف میان اصلاح‌طلبان:

defined.

Error! Bookmark not defined. 7- انفعال‌طلبی اصلاح‌طلبان:

Error! Bookmark not defined. 8- فقدان اقتدار در دولت خاتمی:

Error! Bookmark not defined. 9- افراط:

Error! Bookmark not defined. 10- تک بُعدی بودن اصلاحات:

Error! Bookmark 11- تمایل نداشتن اصلاح‌طلبان به نقد عملکرد خود:

not defined.

Error! Bookmark not 12- سهم کردن جنبش دانشجویی در قدرت:

defined.

Error! Bookmark not 13- جداشدن تکنوکرات‌ها از جنبش اصلاحات:

defined.

14- تکروی عده‌ای از اصلاح‌طلبان در انتخابات ریاست جمهوری نهم:

Error! Bookmark not defined......

15- عدم توجه به پیشنهادات نخبگان فکری:

defined.

Error! Bookmark not defined......خلاصه:

Error! Bookmark not defined. بخش چهارم: بحرانها و چالش‌های جنبش اصلاحات

defined.

گزارشی از بحرآنها و چالش‌های دوران اصلاحات از خرداد 76 تا خرداد 84.

Error! Bookmark not defined......

Error! Bookmark not defined......خاتمه: نتیجه‌گیری:

Error! Bookmark not defined......○ فرصت‌های ساختاری:

Error! Bookmark not defined......○ توانایی‌های کارگزاران:

Error! Bookmark not defined......○ محدودیت‌های ساختاری:

Error! Bookmark not defined......○ ضعف‌های کارگزاران (ضعف ساختاری و عاملی):

not defined.

Error! Bookmark not defined......فهرست منابع

Error! Bookmark not defined......الف) منابع فارسی

Error! Bookmark not defined......ب) منابع انگلیسی:

Error! Bookmark not defined......ج) روزنامه‌ها:

مقدمه:

طرح تحقیق

1. طرح موضوع:

در این پژوهش سعی دارم اوضاع سیاسی ایران در مقطع تاریخی 84-1376 را که با ظهور و افول اصلاح طلبان همراه بود، بررسی کنم. تمرکز زمانی این پژوهش، دوره ریاست جمهوری محمد خاتمی و عملکرد اوست. مسأله اصلی در این پژوهش این است که علل ظهور و افول جنبش اصلاحات چه بود؟ مسایلی که در این پژوهش بررسی خواهند شد عبارتند از: علل ظهور جنبش اصلاحات، اندیشه‌ها و ماهیت و دستاورد اصلاحات، علل افول جنبش اصلاحات، فرصت‌ها و محدودیت‌های ساختاری، ضعف‌ها و نقایص کارگزاران و عواملان اصلاحات.

با انتخاب نظریه ساختار - کارگزار آنتونی گیدنز قصد دارم جنبش اصلاحات به رهبری محمد خاتمی - طی سال‌های 84-1376 - را در قالب این نظریه بررسی کنم.

2. اهمیت تحقیق:

این موضوع را انتخاب کردم چون تحصیلاتم در مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد همزمان با این مقطع تاریخی (دهه 70) بود و به حوادث و وقایع این دوران تا حدی واقف هستم و تحلیل‌های سیاسی مختلف را شنیده‌ام. بنابر این به دلیل تجربه مستقیم با موضوع و به علت کنجکاوی شخصی، همچنین به علت تحلیلی بودن موضوع، این موضوع را انتخاب کردم.

در مورد اهمیت این پژوهش باید بگویم که دوران ریاست جمهوری محمد خاتمی یکی از مهم‌ترین دوران‌های ریاست جمهوری در ایران پس از انقلاب و جنگ می‌باشد. این دوران مملو از بحران‌ها و چالش‌های سیاسی است. درگیری‌های جناحی به صورت علنی و آشکار در این دوران مشکلات بسیاری را ایجاد کرد. این دوران به عنوان تجربه‌ای برای بلوغ سیاسی دولتمردان و نخبگان سیاسی حائز اهمیت است.

3. فایده تحقیق:

نوع فایده پژوهش، نظری و عملی می‌باشد. فایده نظری پژوهش در حوزه سیاست، جامعه‌شناسی سیاسی و علوم اجتماعی می‌باشد. همچنین این گونه تحقیقات برای نخبگان ابزاری و نخبگان فکری نظام سیاسی مفید واقع می‌شود. این پژوهش فایده عملی هم دارد. مثلاً دستگاه‌های اجرایی و اداری و دستگاه‌های سیاست‌گذاری برای پیشرفت جامعه و بهبود امور مربوط به ارگان‌های مهم کشور می‌توانند از آن استفاده کنند. از سوی دیگر بحران‌ها و چالش‌های این دوران هشت‌ساله تجارب بسیاری را به دولتمردان و سیاستمداران آینده‌کشور می‌آموزد. کشور ایران برای پیشرفت نیاز به ثبات سیاسی دارد. در مرحله گذار از بحران‌ها به ثبات سیاسی، تجربه اخذ کردن از بحران‌ها باید مورد توجه قرار گیرد.

4. اهداف تحقیق:

هدف این پژوهش، بررسی و تحلیل و نقد عملکرد اصلاح‌طلبان از منظر ساختار و عاملیت می‌باشد.

5. ادبیات موضوع: (بررسی منابع)

تحقیقات زیادی، موضوع اصلاحات را در قالب نظریه‌گفتمان بررسی کرده‌اند در نتیجه بعضی از ابعاد موضوع مورد تحلیل واقع نشده یا به درستی تحلیل نشده است. یکی دیگر از کاستی‌هایی که با آن روبرو هستیم این است که ظاهراً کسی تاکنون اصلاحات را در قالب تئوری ساختار کارگزار کار نکرده است، لذا منابعی که اصلاحات را با این نظریه کار کرده باشد را در اختیار ندارم. مشکل دیگر این که کتاب‌های اصلی که مربوط به این تئوری می‌باشد، ترجمه نشده است و به زبان انگلیسی است. در بررسی منابع مربوط به اصلاحات، بهتر است منابع را به 3 دسته تقسیم کنیم: نخست کتاب‌هایی که جنبش اصلاحات را نقد کرده و آن را یک نسخه غربی می‌دانند. مثل کتاب هفت موج اصلاحات از حمید پارسانیا؛ دوم کتاب‌هایی که جنبش اصلاحات را فقط تأیید و حمایت کردند و بیشتر حالت توصیفی و شرح وقایع دارد مثل کتاب پدیده خاتمی از محمدصادق الحسینی یا کتاب خاتمی‌ها از محمدرسول جهرمی و امیررضا پورحلم؛ و سوم کتاب‌هایی که جنبش اصلاحات را ریشه در انقلاب اسلامی ارزیابی می‌کنند به این معنا که مطالبات جنبش اصلاحات، همان مطالبات اوایل انقلاب می‌باشد و خواسته‌های جدیدی مطرح نیست. این کتاب‌ها جنبه تحلیلی دارند، مثل کتاب چالش‌های کنونی ایران از دکتر عماد افروغ یا کتاب دولت پنهان از حمیدرضا جلائی پور.

6. سؤال اصلی:

علل ظهور و افول جنبش اصلاحات در دهه 70 چه بود؟

7. فرضیه:

اصلاح طلبان در ابتدا با استفاده از فرصت‌های ساختاری و توانایی‌های خود به پیروزی رسیدند، اما در ادامه نتوانستند از این فرصت‌ها استفاده کنند در نتیجه محدودیت‌های ساختاری همراه با نقایص و ضعف‌های عاملان جنبش اصلاحات، منجر به افول جنبش اصلاحات گردید.

8. مفاهیم و متغیرها:

مفاهیم پژوهش عبارتند از: اصلاح طلبی، ساخت‌یابی، ساختار، کارگزار.

3 متغیرها:

متغیر مستقل (علت) عبارت است از: ساختار و کارگزار.
متغیر وابسته (معلول) عبارت است از ظهور جنبش اصلاحات و افول جنبش اصلاحات.

9. مفروضات:

1. در هر جامعه‌ای آداب و رسوم، فرهنگ و قواعدی جاری است.
2. کنش بازیگران و اعضای هر جامعه در فضای آن جامعه صورت می‌گیرد.
3. بازیگران می‌توانند آن آداب و رسوم، قواعد و مقررات را تحت تأثیر قرار دهند.
4. گاهی اوقات، قواعد و مقررات، محدودیت‌هایی را برای بازیگران ایجاد می‌کند.

10. سؤالات فرعی:

1- علل ظهور جنبش اصلاحات چه بود؟

الف: فرصت‌های ساختاری

ب: توانایی‌ها و عملکرد اصلاح طلبان

2- علل افول جنبش اصلاحات چه بود؟

الف: محدودیت‌های ساختاری

ب: ضعف عاملان اصلاح طلب

11. روش تحقیق:

روش پژوهش، توصیفی و تحلیلی می باشد.

12. سازماندهی پژوهش:

پژوهش حاضر شامل یک مقدمه (طرح تحقیق) و سه فصل و یک نتیجه گیری می باشد.

در فصل اول به چارچوب بحث یعنی تئوری ساختار - کارگزار پرداخته می شود.

در فصل دوم علل ظهور جنبش اصلاح طلب از دو حیث ساختاری و عاملیت بررسی می شود.

در فصل سوم به علل افول جنبش اصلاح طلب خواهیم پرداخت. علل افول را در قالب بخش های 1-

محدودیت های ساختاری و 2- ضعف کارگزاران اصلاحات بررسی خواهیم کرد.

و در پایان به نتیجه همه فصول خواهیم پرداخت و منابع و مأخذ در پایان ذکر خواهد شد.

فصل اوّل

چارچوب نظری:

نظریه ساختار-کارگزار

گیدنز جامعه‌شناسی کلان‌نگر را مطرح کرد.
رویکرد او به جامعه‌شناسی با رویکرد بنیان‌گذاران
جامعه‌شناسی — جامعه‌شناسان مدرنیتهٔ اول — تفاوت جدی دارد و به جامعه‌شناسی
مدرنیتهٔ دوم مشهور است. واحد تحلیلی او جامعهٔ جهانی است و رابطهٔ فرد و جمع را
در قالب تئوری ساخت‌یابی می‌بیند.

مقدمه:

مفاهیم: ساختار - کارگزار - دوگانگی ساختار.

نظریه‌ای که برای بررسی و مطالعه اصلاحات در ایران گزینش شد، نظریه ساختار - کارگزار آنتونی گیدنز می‌باشد. این نظریه تحت عناوین مختلف در کتاب‌ها ترجمه شده است مانند: ساختاربنندی، ساخت‌یابی، ساخت‌گرایی و غیره...¹

به گفتهٔ جورج ریتزر شاید شناخته‌شده‌ترین و دشوارترین بیان برای یکپارچه کردن موضوعات خرد و کلان در اثر آنتونی گیدنز و نظریه ساخت‌یابی او یافت می‌شود. ساخت‌یابی یعنی مجموعه‌ای از مفاهیم بنیادین که به ساخت و ترکیب زندگی اجتماعی نظر دارد.² گیدنز این نظریه را در دههٔ 70 معرفی کرد اما این نظریه در بهترین شکل خود در کتاب ساخت جامعه³ (1984) ظاهر شده است.

گیدنز نظریه ساخت‌یابی خود را از بین دو موضوع که سایر نظریه‌پردازان آنان را نقطه مقابل یکدیگر تلقی می‌کنند، به وجود می‌آورد، یعنی از بین نظریه‌های مربوط به جمع از یک طرف و نظریه‌های مربوط به فرد از طرف دیگر. او در بین این دو نظریه زمینه مشترکی را می‌یابد تا بر اساس یک تصور ساده نظریه ساخت‌یابی خود را تدوین کند.⁴ گیدنز مستقیماً به مقوله خرد و کلان اشاره می‌کند اما تا حدی به جایی می‌رود که از این

1 - فراموش نشود که مفهوم ساختارگرایی شامل این مقوله نمی‌شود چون ساختارگرایی جزء نظریات کل‌گرا می‌باشد.

2 - The constitution of society: outline of the theory of structuration (Cambridge: polity press, 1984) Antony Giddens.

3 - Antony Giddens, The constitution of society.

4 - راب استونز، متفکران بزرگ جامعه‌شناسی، ترجمه مهرداد میرداد، تهران: نشر مرکز، 1379.

واژگان استفاده نکند او چند دلیل برای این کار مطرح می‌سازد. نخست آن که احساس می‌کند که خرد و کلان غالباً توسط جامعه‌شناسان در حالت رقابت با یکدیگر مورد استفاده قرار می‌گیرند و بر این امر اعتقاد ندارد که یکی از آنها بر دیگری تفوق دارد. دلیل دوم آن است که حتی وقتی هیچ تضادی میان این دو وجود ندارد، تمایلی برای تقسیم کار غیرکارکردی میان نظریه‌های جامعه‌شناسی بروز می‌کند. یعنی آن که نظریه‌هایی نظیر تعامل‌گرایی نمادی علاقه‌مند هستند که بر فعالیت‌های کنشگران آزاد متمرکز شوند، در حالی که نظریه‌هایی مانند ساخت‌گرایی کارکردی توجه خود را بر فشارهای ساختی معطوف می‌دارند. در پایان گیدنز نتیجه می‌گیرد که تمایز خرد و کلان یک مسئله مفید نیست. نکته کلیدی در این جا این است که تمایز سخت و شدید میان خرد و کلان سودمند نیست، اما یکپارچگی آنها مفید است گیدنز معتقد است که ما باید به رابطه متقابل آنها توجه کنیم.⁵

گیدنز با متمایز قایل شدن میان نظریه‌های کلان و نظریه‌های در سطح خرد سلطه‌جویی هر دو دسته نظریه‌ها را مورد انتقاد قرار می‌دهد، گیدنز مطرح می‌کند که قلمرو اصلی مطالعه در علوم اجتماعی بر حسب نظریه ساخت‌گرایی، نه تجربه فرد کنشگر است نه وجود شکلی از تمامیت اجتماعی، بلکه اعمال اجتماعی در زمان و فضا نظم می‌یابند.⁶

بنابر این، رهیافت‌های بیان شده را می‌توان در سه نظریه فردگرایی (خرد)، جمع‌گرایی (کلان)، و نظریه ساخت‌یابی مشاهده نمود. بهتر است قبل از هر چیز، نظریه‌های فردگرایی و جمع‌گرایی را توضیح دهیم تا مشخص شود که نظریه ساخت‌یابی در پی حل چه مشکلی است.

1- روش فردگرایی (نظریه خرد):

این تز که واحدهای پایه زندگی اجتماعی را ذاتاً مستقل و جداگانه می‌داند، را فردگرایی یا ذره‌گرایی می‌نامند. بر طبق این نظریه هر یک از انسانها، موقعیت‌های منحصر به فرد آگاهی خود را تجربه می‌کنند، که امتیاز دسترسی ویژه به آن را دارند، در نتیجه دیواری از تنهایی نهایتاً انسانها را از یکدیگر جدا می‌کند. به علاوه

5 - جورج ریتزر، *نظریه‌های جامعه‌شناختی*، ترجمه محمدصادق مهدوی و همکاران، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، 1374.

ص 405.

6 - جورج ریتزر، پیشین، ص 405.

هر یک از انسانها شخص منحصر به فردی است که قدرت اداره کردن اعمال خود را بر اساس باورها و امیال خود دارد. لذا هر انسانی یک خود مجزاً از سایر خودها است.

فردگرایان بر این ایده‌اند که افراد کارگزارانی خود - اداره‌کننده هستند؛ بر این مبنا فردگرایان برای توضیح رفتار انسانی بر خصلت‌ها و فعالیت‌های افراد (شامل امیال، انگیزه‌ها و انتخاب‌هایشان) تأکید می‌کنند. همان‌طور که کارل پوپر اشاره می‌کند:⁷

«هر پدیده اجتماعی و به خصوص کارکرد و نهاد اجتماعی، همواره باید به عنوان

محصول تصمیمات، کنش‌ها و نگرش‌های انسانها فهم شود...» (پوپر، 1984، ص 98)

برای فردگرایان، جامعه در نهایت مرکب از افرادی است که آن را می‌سازند، به این دلیل آنها باور دارند که کل‌های اجتماعی قابل تقلیل به فعالیت افرادی هستند که آنها را تشکیل می‌دهند. همان‌طور که فردریش فون‌هایک اشاره می‌کند: «هیچ راه دیگری برای درک پدیده‌های اجتماعی جز از طریق درک ما از کنش‌های فردی وجود ندارد، کنش‌های معطوف به سایر افراد و هدایت‌شده از جانب رفتارهای مورد انتظار آنان».⁸

همچنین اندیشمندانی مثل الستر⁹، با طرح سیستم ذهنی - روانی نقش ویژه‌ای را به عقلانیت کارگزار می‌دهد. از نظر وی با تبیین ذهنی، کنش انسان از سایر موجودات متمایز می‌گردد. رفتار انسان توسط هدف و غایت می‌شود و بشر می‌تواند بین احتمالات، انتخاب نماید.¹⁰

از دیدگاه طرفداران این نظریه‌ها، کارگزار، عامل و علت اصلی پدیده‌ها و پیامدهای اجتماعی است. لذا برای شناخت رفتار کارگزاران در نظام اجتماعی باید بازیگران آن را مورد مطالعه قرار داد.¹¹

رهیافت‌های معینی در علوم اجتماعی - من جمله تئوری‌های انتخاب عقلانی، کثرت‌گرایی و روش تفسیری - و رویکردهای نئوکلاسیک در علوم اقتصادی، روش‌شناسی فردی نامیده شده است که روشی برای تبیین اجتماعی پیشنهاد می‌کند. یعنی پدیده‌های اجتماعی را در نهایت بر حسب کنش‌ها و انتخاب‌های افراد

7 - برایان فی، پارادایم‌شناسی علوم انسانی، ترجمه مرتضی مردیپا، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، 1383، ص 66.

8 - همان، ص 68.

9 - J.Elster

10 - Alex Calinicos, Making Hisrory. Agency, structure and change in social theory (New York. Cornell university press. 1988). P.12.

11 - محمد ستوده آرانی، پایان‌نامه دکتری: تحولات نظام بین الملل و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، ص 21.

توجیه می‌نماید. در یک کلام، در این نگرش، افراد چنان انگاشته می‌شوند که در نهایت موجودیتی مستقل از روابطشان با دیگران دارند.¹²

فردگرایی هستی‌شناختی چنین ادعایی دارد. به گفته هابز — پدر فردگرایی —: «علل سازش اجتماعی در فردیت انسانها قرار دارد، چنان که گویی همین حالا مانند قارچ از زمین سر بر آورده و ناگهان به رشد کامل خود می‌رسند، بدون هر گونه تعهدی نسبت به یکدیگر.» (هابز، 1839، ص 109) طبق نظر فردگرایی هستی‌شناختی، نیازها، استعدادها و انگیزه‌های پایه‌ای انسان بدون هیچ ارتباط خاصی با گروه‌های اجتماعی یا کنش‌های متقابل اجتماعی رخ می‌نمایند. هر چند همه ما با دیگران کنش متقابل داریم، در عین حال هر یک از ما ادعا می‌کنیم که اساساً از این کنش‌های متقابل مستقل هستیم. لذا مثلاً تصور هابز این بود که همه رفتارهای انسانی از عملکرد مجموعه‌ای اساسی از شهوت‌ها و نفرت‌هایی که فرد بدون در نظر گرفتن زمینه اجتماعی خود دارا است، سرچشمه می‌گیرند. او تصور می‌کرد که توانایی‌های ویژه ما انسانها — برای مثال، توانایی صحبت کردن — مستلزم کنش متقابل با دیگران نیست.¹³

اگر ما اصطلاحات «خود و دیگری» را از یک سو، برای نام‌گذاری فرد و از سوی دیگر برای نام‌گذاری کسانی که از فرد مجزاً هستند، به کار بریم می‌توانیم برداشت فردگرایی را اینگونه نمایش دهیم:

دیگری

خود

فردگرایی معتقد است که افراد عروسک‌های صرف نیستند که به وسیله نیروهای اجتماعی پس از خود به هر سو رانده شوند. به این ترتیب، فردگرایی اشخاص را از اشیاء محض متمایز می‌گرداند؛ ولی معتقد است که اشخاص به وسیله محیط تعیین تکلیف نمی‌شوند. فردگرایی ادعا می‌کند که جوهرهای اجتماعی مثل یک ملیت یا خانواده، محصول فعالیت‌های اعضایشان هستند.¹⁴

فردگرایی ادعا می‌کند که هر یک از ما فرد جداگانه‌ای است که به وسیله موقعیت‌های شعور منحصر به فرد خود که امتیاز دسترسی ویژه به آن را داریم و به وسیله ظرفیت‌ها و نیازهایی که مستقل از دیگران به دست

12 - برایان فی، پارادایم‌شناسی علوم انسانی، ص 66.

13 - همان، ص 67.

آورده‌ایم، به وجود آمده‌ایم. ولی آیا همگی درون خودهایمان حبس شده‌ایم؟ آیا شکافی اساسی بین خود و دیگری وجود دارد؟

«برایان فی» در نقد فردگرایی می‌نویسد:

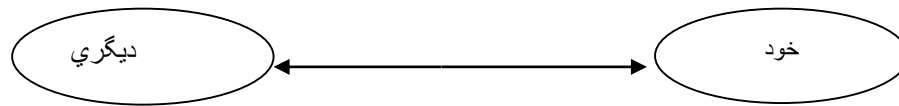
«تأملی اندک روشن می‌سازد که بسیاری از ایده‌ها و نگرش‌ها که هستی شما را تشکیل می‌دهند، از دیگران سرچشمه گرفته‌اند. نه تنها خودتان و ایده‌آل‌هایی که خودتان را با آنها می‌سنجید بر اساس مفاهیمی که از فرهنگتان گرفته‌اید توصیف می‌کنید، بلکه هویت‌تان را نیز بر اساس این مفاهیم به دست آورده‌اید. شما نه تنها محتویات روانتان را از دیگران به دست آورده‌اید، بلکه علاوه بر این ظرفیت‌های خاص شخصیت‌تان (خودبودگی) را نیز از آنها کسب کرده‌اید. در این دو مورد «خود» ذاتاً اجتماعی است. تیات و مقاصد، غالباً، حالت‌های ذهنی خصوصی صرف موجود در ذهن یک فرد نیستند، بلکه از رهگذر امور و اعمال اجتماعی نظیر قواعد، نقش‌ها، نهادها، قوانین و تعهدات به وجود آمده‌اند. بدون این فعالیت‌های اجتماعی، بیشتر مقاصد ما نمی‌توانستند شکل بگیرند. پس این مقاصد فی‌نفسه اجتماعی‌اند، و از این رو، اموری هم که عادتاً شکل‌دهنده این مقاصدند، فی‌نفسه اجتماعی‌اند».¹⁵

نه تنها محتویات اذهان ما با مصالح دیگران شکل گرفته‌اند، بلکه بسیاری از تجربیات عادی‌تر ما نیز از کنش متقابل با دیگران سرچشمه می‌گیرند. دیگران نه تنها برای محتوای زندگی روانی ما لازم‌اند، بلکه برای این که ما موجوداتی خودآگاه باشیم نیز ضروری‌اند. دیگران برای این که «خود» یک «خود» شود، لازم‌اند، زیرا یک «خود» فقط از طریق دیگران می‌تواند ظرفیت‌های لازم را برای آن که یک «خود» باشد، وسعت بخشد. خود بودن و دیگری بودن با هم‌دیگر رابطه متقابل دارند.¹⁶ هر یک از ما وجودی بسته و محدود نیست بلکه ترکیبات پیچیده پویایی هستیم که از هم‌کنش‌های خود با دیگران شده‌ایم. خودها نشانه‌های فعالی هستند که در ضمن روابطشان با سایر خودها متبلور می‌شوند.¹⁷ بنابر این همان گونه که قبلاً گفتیم رابطه بین خود و دیگری را فردگرایی این گونه تصویر نمود:

- همان، صص 80-15.79

16 - همان، صص 83-80.

17 - همان، ص 90.



ولی اگر ذاتاً اجتماعی باشد، شکل زیر رابطه خود و دیگری را بهتر ترسیم می کند:

بنابر این توجه داشته باشید که در شکل اخیر نه خود محاط شده است و نه دیگری، کنش آنها با یکدیگر، هویتشان را شکل می دهد. بنابر این ما برای این که خودمان باشیم به دیگران نیاز داریم. خودها صرفاً در مقابل هم نیستند؛ آنها به طور متقابل به تعریف یکدیگر کمک می کنند، به گونه ای که خودها بدون دیگران نمی توانند ظرفیت خود بودن یا مصالح لازم را برای تحقق خودهای ویژه ای که هستند داشته باشند.

مبحث فردگرایی را با سخنان «برایان فی» به پایان می بریم:

«دقت کنید کارگزاران به این دلیل کارگزارند و قوه عاملیت اجتماعی دارند که در داخل نظامی قرار دارند که به طور همزمان هم به آنها قدرت می بخشد و هم آنها را محدود می کند. عاملان اجتماعی نمی توانند آزادانه عمل کنند. بدون فرهنگ آنها وجود نخواهند داشت. آنها در معرض تمامی محدودیت هایی هستند که دیگران و نظام های معانی و قدرتی که در درون آنها فکر و زندگی می کنند بر آنها تحمیل می کنند. فرهنگ و جامعه هم قدرت می بخشد و هم محدود می کنند و گاهی اوقات با محدود کردن، قدرت می بخشد».¹⁸

2- روش جمع گرایی (نظریه کلان):

کل گرایی¹⁹ شکل دیگری از تبیین در علوم است که کل گرایی روش شناختی نامیده می شود. کل گرایی تری است که مطابق آن اوصاف و خصائل افراد صرفاً تابعی از جایگاه آنان در جامعه یا نظامات معنایی است. کل گرایی به این مسأله تأکید می کند که هویت های افراد با عضویت آنان در گروهشان تعیین می شود، چرا که هویت به واسطه نیروهای اجتماعی و فرهنگی ساخته می شود. مکتب کل گرایی ادعا می کند که شما ابزاری در دست جامعه و فرهنگ هستید که آنها از طریق شما خود را نشان می دهند.²⁰

18 - همان، ص 340.

19 - Holism.

20 - برایان فی، پیشین، ص 66.

بنابر این نظریه‌های ساختارگرایی مقابل نظریه‌های کارگزارمحور، اصالت را به ساختار می‌دهند و از نظر روش‌شناسی بر جمع‌گرایی یا کل‌گرایی تأکید دارند. در علوم اجتماعی دیدگاه‌های ارگانیک بر کل‌گرایی تأکید دارد و شناخت اجزاء را به کل مرتبط می‌سازد. در این دیدگاه، ساخت اجتماعی، به عنوان واقعیت عینی در نظر گرفته می‌شد و مسئولیت خاصی را بر هر فرد تحمیل می‌کند و از این رو ساختارها نقش محدودکننده ایفاء می‌نمایند.²¹ به عبارت دیگر در کل‌گرایی و ساختارگرایی

«تبیین‌ها بر حسب انگیزه‌ها، اراده‌ها، راهبردها و کنش‌های کارگزاران بنا نشده‌اند. زیرا این‌ها به عنوان محصول صرف ساختارهایی که در نهایت تعیین‌کننده‌اند نگریسته شده‌اند.»²²

یکی از شخصیت‌های مؤثر در توسعه کل‌گرایی، امیل دورکیم است. مطالعه او در کتاب خودکشی (1897) قدرت تبیین در روش کل‌گرایی را نشان داد «در این اثر او استدلال می‌کند که انتحار به عنوان شخصی‌ترین کنش در حقیقت یک پدیده اجتماعی است. جامعه شرایطی را فراهم می‌کند که خودکشی از درون آن زاده می‌شود. به ادعای او، روان‌شناسی فردی قادر به تبیین میزآنهای متفاوت خودکشی نیست، و نهایتاً قادر نیست فشارهایی را که در اثر آنها افراد دست به خودکشی می‌زنند، توضیح دهد».²³

نوع جدیدتر کل‌گرایی، ساختارگرایی است. بهتر است اشاره کنیم به میشل فوکو. وی در کتاب تاریخ جنسیت، این طور بحث می‌کند:

«ما باید سعی در یابیم که چگونه این موضوعات به گونه‌ای تدریجی، پیش‌رونده، واقعی و مادی از طریق ترکیب پیچیده‌ای از دستگاه‌ها، فشارها، انرژی‌ها، مواد، امیال، اندیشه‌ها و غیره ساخته شده‌اند.»²⁴

فوکو به تحلیل فرآیندهایی پرداخت که سوژه‌ها در جریان آنها به وسیله فضاها، فیزیکی، اجتماعی و گفتاری که درون آن زندگی می‌کنند، خلق می‌شوند. برای مثال فوکو اظهار می‌دارد که از وقتی که مقوله‌های ناهنجاری مثل «هم‌جنس‌بازی» و «چند شخصیتی» (به عنوان اشکال ظریف کنترل اجتماعی طبی) در قرن

21 - محمد ستوده آرانی، پیشین، ص 26.

22 - دیوید مارش و جری استوکر، روش و نظریه در علوم سیاسی، امیرمحمدحاجی یوسفی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی،

1378، ص 310.

23 - همان، ص 94.

24 - همان، ص 95.

نوزدهم پدید آمدند، در همان هنگام هم افراد ناهنجار، هم جنس باز و چندشخصیتی پا به عرصه وجود گذاشتند. به طور کلی هر وقت نوعی از انسان تعریف و مطرح شود، در پی آن مصداق آن هم خلق می شود و نه بر عکس».²⁵

یکی دیگر از نظریه های کل گرای، تئوری سیستم است. بر اساس این نظریه هیچ گونه تفاوت زیربنایی بین یک سیستم گرمایی، یک سیستم فیزیولوژیک و یک سیستم اجتماعی وجود ندارد، همه این ساختار حول یک جریان اطلاعاتی سازماندهی شده اند که پیامدش حفظ بعضی روابط بین اجزاء تشکیل دهنده آن و همچنین حفظ روابط مجموعه با محیط پیرامون آن است. در نقد این نظریه باید گفت ممکن است تأکید بر تفاوت کاربرد واژه «اطلاعات» در سیستم حرارتی و یک سیستم اجتماعی بی مورد جلوه کند اما شواهد زیادی در تأیید این تمایز وجود دارد. تفاوت بین ارتباطات میان افراد و ارتباطات بین اجزاء یک سیستم مکانیکی این حقیقت را روشن می کند که جامعه ترکیبی از کارگزارهاست و نه صرفاً اجزایی به هم پیوسته. کارگزارهای انسانی بر عکس ترموستات ها (در سیستم گرمایی)، بر اساس نیات خود عمل می کنند و نیز از محیط اطراف خود آگاه هستند و تلاش می کنند بر اساس این آگاهی به آن پاسخ دهند. بنابر این کارگزاران انسانی نمی توانند صرفاً چرخ دنده هایی در یک سیستم در حال حرکت باشند.

آیا این فرهنگ و یا جامعه است که ما را آن گونه که هستیم می سازند؟ کل گرایان با تلقی از فرهنگ و جامعه به عنوان چیزهایی که اعضای خود را تعیین می کنند، درست مثل قالب هایی که محصولات فلزی را تولید می کنند، به این پرسش پاسخ مثبت می دهند. اما تئوری مورد دفاع ما (ساختاریابی)، ناتوانی روش کل گرای را در خصوص ارائه یک نقش شایسته به کارگزار انسانی، بر ملا می کند.

«برایان فی» می گوید:

«ما به عنوان کارگزاران، فرهنگ را با تصرفات خود از آن خود می کنیم و به عنوان اعضای جامعه از طریق تفسیر مفاهیم و تولید مقررات، آن را به طور مداوم تولید و بازتولید می کنیم. در نتیجه فرهنگ ها و جوامع از طریق قدرت خلاق و مبتکر اعضای خود تغییر می یابند.»²⁶

25 - همان، ص 96.

26 - همان، ص 120.

بنابر این ما انعکاس صرف فرهنگ و جامعه‌ای نیستیم که به آن تعلق داریم. فرهنگ و جامعه در اصل به گونه‌ای بر ما تحمیل می‌شوند که نمی‌توانیم آنها را انتخاب کنیم. جوامع و فرهنگ‌ها هم ما را به جلو می‌برند و هم مانع ما می‌شوند.

خلاصه آن که نظریه‌های فردگرایی و جمع‌گرایی نمی‌تواند پاسخ مناسبی برای مسأله ساختار — کارگزار فراهم سازند چون دستخوش تقلیل‌گرایی می‌گردند.

3- نظریه ساختاریابی (تعامل ساختار - کارگزار):

در دو مبحث جداگانه، دو رهیافت را که به نظر می‌آید آنتی تز یکدیگر باشند را مورد بررسی قرار دادیم. فردگرایان معتقدند که عناصر پایه‌ای تحلیل اجتماعی، افراد هستند. کل‌گراها، بر عکس اعتقاد دارند که افراد محصول نیروهای اجتماعی و فرهنگی هستند. و بنابراین جامعه و فرهنگ واحدهای زیربنایی تحلیل اجتماعی‌اند. اما دیدیم که هیچ‌کدام از این روش‌ها قابل قبول نیست. زیرا هر دو یک جانبه‌نگر هستند متنها در دو سوی مخالف همدیگر، کل‌گرایی و فردگرایی عمیقاً مسأله‌دار هستند آنها بر تفاوت تأکید کرده و از آنچه مشترک و مشابه است اغماض می‌کنند.

راه درست آن است که فردگرایی و کل‌گرایی را ترکیب کنیم و به گونه‌ای با هم ترکیب کنیم که از افراط‌کاری هر دو اجتناب شود. این همان کاری است که نظریه ساختاریابی گیدنز (و نظریه فرهنگ‌یابی برک) انجام داده است. فردگرایی بر اهمیت کارگزار در زندگی اجتماعی انسان تأکید می‌کند؛ کل‌گرایی نیز بر اهمیت شکل‌دهی فرهنگ و جامعه به رفتار انسانی تأکید می‌کند.

آیا ما جامعه و فرهنگ را می‌سازیم یا آنها ما را می‌سازند؟ جواب صحیح عدم قبول این دو شاخه شدن است؛ بنابر این پاسخ درست عبارت است از: «هر دو». ما فرهنگ و جامعه خود را می‌سازیم و آنها به نوبه خود، ما را شکل می‌دهند. هر دو در ساخت یکدیگر تعامل داریم.²⁷

نظریه ساختاریابی «آنتونی گیدنز» راه حلی به مسأله ساختار کارگزار محسوب می‌شود. این نظریه ضعف‌های نظریه‌های فردگرایی و جمع‌گرایی را جبران می‌کند. از دیدگاه گیدنز ساختار و کارگزاران از یکدیگر جدایی‌ناپذیر هستند. چون ساختارهای اجتماعی به وسیله کنشگران (انسانها) تأسیس می‌شوند و نیروهای عامل نیز به وسیله ساختارهای اجتماعی شکل می‌گیرند. ساختارها به منزله قواعد و ذخایر هیچ گونه کارآیی ندارند

جز آن که اثر خود را در شناخت و کاربرد کنشگران نشان دهند. گیدنز بین دوگانگی ساختار — عاملیت از یک سو، و علیت اجتماعی از سوی دیگر پیوند ایجاد می کند.

هر گاه تصویری اجمالی از علیت اجتماعی، سیاسی یا اقتصادی ارائه می دهیم، صریحاً یا تلویحاً به اندیشه‌هایی در باره ساختار — کارگزار متوسل می شویم. طبق این نظریه، ساختار — کارگزار منطقاً مستلزم یکدیگرند، یعنی یک ساختار اجتماعی یا سیاسی تنها به واسطه قید و بندهایی که بر کارگزاری می زند یا فرصت‌هایی که برای آن تدارک می بیند، تداوم می یابد. بنابر این تصور ساختار بدون حداقل تصویری اجمالی از کارگزاری که ممکن است تحت تأثیر آن باشد، معنا ندارد.²⁸

گیدنز از عاملان به سوی عاملیت یا کارهایی که عاملان انجام می دهند حرکت می کند. عاملیت با تمایلات و خواسته‌های کنشگران سر و کار ندارد، بلکه مطلب مورد نظر عبارت است از آنچه که عاملان به طور واقعی انجام می دهند: عاملیت با وقایعی سروکار دارد که در آن فرد حالت ارتکاب دارد ... هیچ اتفاقی روی نمی دهد، مگر آن که فرد در آن دخالت کرده باشد. گیدنز از جدا کردن عاملیت از تمایلات و خواسته‌های فرد رنج می برد، زیرا او می خواهد این نکته را بیان دارد که کنش‌ها اغلب با متفاوت بودن از تمایلات پایان می یابند. به بیان دیگر کنش‌های عمدی غالباً پیامدهای ناخواسته دارند. با این وجود گیدنز کنش را بر قدرت پیوند می زند یعنی کنشگر توانایی دخالت کردن را دارد. گیدنز با اطمینان اظهار می کند که فشارهایی در دنیا وجود دارد، اما این فشارها به معنای آن نیست که کنشگر هیچ اختیاری برای انتخاب ندارد. به اعتقاد او قدرت منطقاً مقدم بر ذهنیت است، زیرا کنش درگیر قدرت یا توانایی تغییر موقعیت است. بنابر این، گیدنز با نظریه‌های دوگانه‌گرایی که قدرت را به قصد و تمایل کنشگر مربوط می دانند (کنش متقابل نمادی) یا آن را با ساخت مرتبط می سازند (کارکردگرایی ساختی) مخالفت می ورزد.²⁹

پس دو مفهوم کلیدی موجود در نظریه گیدنز عبارت است از کارگزار و ساختار. برای درک بهتر مطلب بهتر است مثالی از بازی شطرنج بزنیم.

28 - دیوید مارش و جری استوکر، پیشین، ص 304.

29 - جورج ریتزر، نظریه‌های جامعه‌شناسی، ص 406.

نقش‌ها و مقررات یکی از این دو نوع می‌توانند باشند: یا تنظیم‌کننده³⁰ یا تشکیل‌دهنده³¹ نقش‌ها و مقررات تنظیم‌کننده نشان می‌دهند که کدام رفتارها و روابط ممنوع و مجازند؛ نقش‌ها و مقررات تشکیل‌دهنده، بعضی از فعالیت‌ها را ممکن می‌کنند. مثلاً آن قاعده شطرنج که می‌گوید: «اگر به مهره‌ای دست زدید باید آن را حرکت دهی»، یک قاعده تنظیم‌کننده است که می‌گوید بازیگران مجاز نیستند یک مهره را به منظور آزمایش آسیب‌پذیری آن، در صورت حمله، حرکت دهند. اما آن قاعده که می‌گوید: «اگر شاه مات شد، بازی تمام است»، یک قاعده تشکیل‌دهنده است. این قواعد، شطرنج را به صورت یک فعالیت درمی‌آورد که در غیاب آن بازی شطرنج وجود نخواهد داشت. قواعدی که به عنوان تنظیم‌کننده است، رفتار را محدود می‌کند، اما قواعدی که به عنوان تشکیل‌دهنده است، رفتار را ممکن می‌کند. «آنتونی گیدنز» این نقش‌ها و قواعد توانایی‌بخش و محدودیت‌آفرین را ساختار جامعه می‌نامد.³²

اما نباید در اثر استفاده از واژه ساختار دچار اشتباه شویم: ساختار ماهیت‌های فیزیکی نیستند، بلکه به عنوان فراهم‌آورندگان نقش‌ها و قواعد مستلزم یک فعالیت تفسیری از جانب کسانی هستند که در قالب این ساختارها عمل می‌کنند تا ساختار تحقق یابد. ساختار شرایط را برای امکان یک کنش فراهم می‌کند و ما را به سوی چگونگی انجام کنش هدایت می‌کند، اما این کارگزارها هستند که به وسیله فعالیت خود ساختار را تولید و بازتولید می‌کند. ساختار اجتماعی همچون برنامه‌هایی که حرکت‌های روبات‌ها را تعیین می‌کند، عمل نمی‌کند، بلکه نیازمند فعالیت فکر و اساس کارگزارهایی هستند که باید این ساختار را تصرف کنند و به خود تخصیص دهند تا به این وسیله، آن ساختارها موجود شوند.³³

«جان پارکر» در این زمینه می‌گوید: گیدنز ساختارها را ذهنی می‌بیند. یعنی صرفاً به کار بستن عملی و آگاهانه آنها توسط عامل‌ها، نیروی مولدشان ساخته می‌شود. گیدنز ساختارها را هم به عنوان وسیله، و هم به عنوان محصول عاملیت، تعریف می‌کند.

30 - Reulative.

31 - Constitutive.

32 - برایان فی، پیشین، ص 114.

33 - همان، ص 115.

ساختارها محصولها (= نتایج، عواقب، پیامدها) هستند. چون کاربرد آنها توسط عاملها، پیامدهای بازگشتی دارد.³⁴

گیدنز می‌پذیرد که مردم، جهان اجتماعی خود را می‌آفرینند. به نظر او مسأله اصلی رویاروی نظریه اجتماعی، ارائه پیوند مناسبی میان کنشگران و ساختارهای اجتماعی است. نظریه ساختاربندی کوششی است برای چیره شدن بر «دوگانه انگاری»³⁵ — که به عقیده او پیوسته دامن‌گیر نظریه‌های دیگر بوده است — دوگانه انگاری که یا به کنشگر اولویت می‌دهد یا به ساختارهای اجتماعی.

او به سود آنچه «دوگانگی ساختار»³⁶ می‌نامد استدلال می‌کند به این معنا که ساختارها هم به دست کنشگران افسانه به وجود می‌آید و هم وسیله‌ای است که چنین کنشی به کمک آن صورت می‌گیرد. ساختارها را انسانها ایجاد می‌کنند اما آنها هم کنش انسانی را محدود و امکان‌پذیر می‌سازند.³⁷

ساختارها کنشها را به وجود می‌آورند و کنشها، ساختارها را تولید و بازتولید می‌کنند. بنابر این ساختار و کنش در نفی یکدیگر نیستند بلکه ساختارها برای این که به وجود بیایند نیازمند کارگزارهای هوشمند هستند. از سویی دیگر کنشها از این جهت ممکن می‌شوند که به واسطه بعضی ساختارها تحریک و توسط برخی ساختارها تحدید می‌شوند. گیدنز تعامل بین کنش و ساختار را «ساختاریابی»³⁸ می‌نامد. گیدنز این اصطلاح را برای جستجو کردن طبیعت فعال و متحول جامعه به کار می‌برد.

در اندیشه گیدنز ساختار و کارگزار دو روی یکی سگه‌اند. بنابراین دو گانگی ساختار نشان می‌دهد که ساختارها صرفاً محدودکننده نمی‌باشند بلکه ایجادکننده امکانات نیز محسوب می‌شوند.

بنابر این تلاش گیدنز در دو مفهوم محوری یعنی «ساخت‌یابی» و «دوگانگی ساختار» انعکاس یافته است. گیدنز با ارائه مفهوم ساخت‌یابی، ایده وابستگی متقابل و ارتباط درونی را مطرح می‌سازد.

در این چارچوب، تولید و بازتولید جامعه به عنوان انجام و اتمام ماهرانه از جانب کنشگران اجتماعی نگریسته شده است.

34 - جان پارکر، *ساختاربندی*، ترجمه امیرعباس سعیدی‌پور، تهران: آشتیان: 1383.

35 - دوگانه انگاری ساختار کارگزار یعنی تفکیک سرسختانه ساختار و کارگزار.

36 - دوگانگی ساختار، مبین این است که صرفاً هدف‌مندی عاملها، ساختارها را فعال می‌سازد و هستی‌مند نگه می‌دارد.

37 - پیتر کیویستو، *اندیشه‌های بنیادی در جامعه‌شناسی*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی، 1378، ص 202.

بنابر این اعمال و فرآیندهای اجتماعی «بوسیله مهارت‌های سازنده و فعالانه اعضاء جامعه آن گونه که کنشگران به لحاظ تاریخی قرار گرفته‌اند، و نه تحت شرایط انتخابی خودشان، ایجاد شده‌اند.» این نکته گیدنز را به سوی به رسمیت شناختن دوگانگی ساختار سوق می‌دهد که مرادش از آن این است که ساختارهای اجتماعی ساخته کارگزاری انسان هستند ولی در عین حال، ابزار و وسیله این ساختار نیز هستند.³⁹

نتیجه‌گیری: بنابر این توجه به این دو بحث در این رساله اهمیت بسیار دارد:

* زمینه‌یابی کارگزار 40: در نسبت دادن علیت سیاسی ضرورت دارد که کنش اجتماعی و سیاسی را در درون زمینه‌ای که در آن رخ می‌دهد، قرار دهیم. باید دائماً از خود پرسیم چگونه فرآیندهای خارج از حوادث مورد مطالعه بر زمینه و راهبردها، اراده‌ها و کنش‌های کارگزارانی که مستقیماً درگیر آن هستند، تأثیر دارند.

* گزینش راهبردی ساختار 41: ساختارهایی که ما می‌شناسیم، هم محدودکننده‌اند و هم توانایی‌بخش؛ بدین ترتیب که آنها سلسله‌ای از فرصت‌ها و راهبردهای بالقوه‌ای را که در دسترس کنشگران هستند، مشخص می‌کنند. توصیف ساختارهایی که ابتدائاً تشخیص داده‌ایم به عنوان منابع (میسر سازنده کنش) و یا محدودیت‌ها (محدودکننده فرصت‌ها برای کنش)، به «انتزاع دیدگاه مسلط» بستگی دارد.

برای مثال از منظر شخصی که می‌خواهد دارائی‌اش را حفظ کند، سگ محافظ هر چند گاز می‌گیرد، یک منبع است اما از منظر سارق بی‌خبر، یک محدودیت است. بنابر این ساختارها، تحمیل‌کننده گزینش راهبردی‌اند. آنها منابع و فرصت‌هایی برای قدرتمند فراهم می‌آورند، در حالی که همزمان با آن ضعیف و زبردست را محدود می‌کنند. بنابر این مسأله ساختار و کارگزار، مسأله قدرت سیاسی است، یعنی مسأله کسی است که موقعیت برتر را دارا می‌باشد.⁴²

* کاربرد نظریه ساختار - کارگزار در تحلیل ظهور و افول اصلاح‌طلبان:

با توجه به تمایل گیدنز مبنی بر فراتر رفتن از دوگانه‌انگاری غیرطبیعی ساختار و کارگزار، جای تعجبی نیست که نظریه ساختاری نفوذ بسیاری داشته و آگاهی بخش بسیاری از شرح و بسط‌های نظری و کاربردها در حوزه‌هایی مانند جامعه‌شناسی سیاسی، اندیشه سیاسی، روابط بین‌الملل، جغرافیای اجتماعی و سیاسی و

39 - دیوید مارش، پیشین، ص 315.

40 - Contextualisation of agency.

41 - Strategic selfselectivity of structure.

42 - دیوید مارش، پیشین، ص 327.

نظریه فمینیستی بوده است. دستاورد اساسی گیدنز این بود که مسأله ساختار و کارگزار را به کانون علوم اجتماعی بازگرداند.⁴³

ایده‌های ساختار و کارگزار در هر مفهومی از قدرت محوریت دارند. کارگزار⁴⁴ «یعنی شخصی که عمل می‌کند»، یا قدرت به کار می‌بندد تا چیزی را انجام دهد. از این رو قدرت⁴⁵ اساساً با اندیشه پیروزی کارگزار یا فاعل⁴⁶ بر طرف دیگر (ساختار یا مفعول⁴⁷)، مرتبط است. قدرت مسأله کارگزار است. لذا انتساب دادن کارگزاری، انتساب دادن قدرت است. کنش‌های وزیران و حکومت‌ها ساختارهایی پدید می‌آورد که کارمندان دولت را محدود می‌سازند. آثار و نتایج کنش‌های این کارمندان به همین نحو، بقیه ما را محدود می‌گرداند.⁴⁸

با توجه به مطالبی که بیان شد چارچوب تحلیلی ساختار — کارگزار برای تحلیل و بررسی اصلاحات در ایران مفید و مناسب به نظر می‌رسد. چون این نظریه رابطه ساختار — کارگزار را به صورت دیالکتیک و تعاملی در نظر می‌گیرد.

اکنون چگونه می‌توانیم اصلاحات را از دیدگاه ساختاربندی علت‌یابی کنیم، مطابق با این چارچوب نظری باید اصلاحات را این گونه تحلیل و بررسی کنیم:

چگونه ساختار حکومت در ایران منجر به ظهور جنبش اصلاحات گردید؟

عاملان و کارگزاران اصلاح‌طلب چه نقشی در ظهور جنبش اصلاحات داشتند؟

ساختارها چه فرصت‌هایی برای جنبش اصلاحات ایجاد کردند؟

جنبش اصلاحات با چه موانع و محدودیت‌های ساختاری روبرو شدند؟

چه نقدی به عملکرد کارگزاران و عاملان جنبش اصلاحات مطرح است؟

چگونه ساختار و عاملیت منجر به افول جنبش اصلاحات گردید؟

در این پژوهش سعی داریم به سؤالات فوق پاسخ دهیم.

نمودار زیر مطالب فوق را ترسیم می‌کند:

43 - همان، ص 315.

44 - Agent.

45 - Power.

46 - Subject.

47 - Object.

48 - همان، ص 307.

